

## به یاد پوران

از دوستی در آمریکا

احساس خوشبختی میکنم از اینکه او را میشناختم. دوستی بیست و چهار ساله من با او و تراب در اولین سفر من به پاریس در سال ۱۹۸۳ شروع شد و طی سفرهای بعدی در خلال این سالها عمق گرفت. او انسانی پراز صفا و مهربان بود که قلبش برای ستمدیدگان جهان چه در ایران، چه در فلسطین، عراق، افغانستان یا مکزیک می تپید.

شرح روحیه مبارز و پرسشگر او در شکستن هرگونه سد و راه بست در راه عدالت جوئی از نوجوانی، شرکت کردن در مبارزات انقلابی برعلیه رژیم های پهلوی و جمهوری اسلامی، و تلاش و کوشش های او در دوران تبعید در مبارزات دموکراتیک و به ویژه مبارزات زنان از قلم خود او و رفقا و یارانش به تفصیل آمده است.

در مقام دوستی، پوران قلبی بزرگ داشت و روحی سخاوتمند و مملو از صمیمیت و وفاداری. آنانکه چون من در طول زندگی با این انسان بزرگ آشنا شدند و چون من افتخار دوستی نزدیک و صمیمی با او به ایشان دست داد میدانند که مهر و دوستی او همچون نسیم بهاران نوازشگر بود و داشتن دوستی چون پوران همانند داشتن پشتیبانی چون کوه بود. اخیراً روی پلاکی که دیواری را مزین کرده بود این جمله را که به زبان انگلیسی نوشته بود خواندم: "بهترین دوست خواهی است که سرنوشت فراموش کرد نصیم کند". این جمله مرا به یاد پوران عزیز انداخت که در باب دوستی برآستی چون خواهی مهربان بود. شناختن پوران همان و دوست داشتنش همان.

کارنامه زندگی را که در رثای او در مجلس یادبودش در حضور دوستان و رفقای قرائت شده بود خواندم که الحق درخور و شایسته این زن مبارز و کمونیست میباشد. این کارنامه چون کتیبه ای ست از آنچه یک انسان بشردوست میتواند باشد. دریافتم آنچه من از او میشناختم که مرا شیفته انسانیتش ساخته است تنها گوشه ایست از یک زندگی خطیر و پر خطر و وارسته که هر لحظه اش در راه مقاومت و مبارزه علیه تبعیض، ظلم و ستم چه از نوع طبقاتی، ملی، یا جنسی در راه، برای، ویا در کنار ستمکشان و در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و حتی سازمانی گذشته است.

پوران همیشه به هم رزم بودن در کنار رفقای سازمانی اش می بالید چه در دوره مجاهدین اولیه چه 'بخش منشعب' و چه پیکار. ولی وسعت نظر و انسانیت او در قالب تنها یک گروه و سازمان نمی گنجد. همچنانکه زندگی او شهادت میدهد چه در دوران زندگی درون سازمان انقلابی در ایران، در ظفار و یا در فلسطین و چه در دوران تبعید، در واقع او متعلق به مبارزه بشریت در راه رهائی از ستم و استثمار میباشد.

پویائی فکری پوران نکته قابل ذکر و تحسین دیگری است که تنها از یک فرد مبارز و انقلابی اصیل انتظار میرود، که هیچ نوع ستمی را بر نمی تافت، از زندگی اجتماعی، سیاسی، و سازمانی تجربه می اندوخت، هیچ دگمی را نمی پذیرفت و آنرا زیر سؤال میبرد و هر خطائی را بر می شمرد. لذا او با این پویائی هراسی از

سنت شکنی و بدور افکندن آنچه که کهنه و نادرست و نارساست و متعلق بگذشته نداشت.

از او بخاطر دارم که در همین چند سال پیش علیرغم رنج بردن از درد زانو برای تشکیل و برپائی یک سمینار برای جنبش زنان جانانه و صمیمانه میکوشید و با شادمانی از برگزاری موفقیت آمیز آن که بخشاً به اهتمام پوران صورت گرفته بود تعریف میکرد.

پوران اکنون به تاریخ پر افتخار مبارزه علیه جور و ستم و استثمار و استبداد در کشورمان و همینطور در سطح جهان پیوسته است. آنچه پرتو زندگی درخشان این زن مبارز و انترناسیونالیست فرا روی هم‌زمان، رفقا و دوستدارانش مینهد آنست که چون او میباید زیست که زندگی را دوست میداشت و هر لحظه آنرا در راه آنچه که انسانیت و نوید رهائی از استبداد و استثمار و ستم میدهد خستگی ناپذیر و با آخرین نیرو میگذراند.

مایه مباحث است که یک چنین فردی در تاریخ مبارزات مردمی مرز و بوم ما زیسته.

پرتو زندگی او روشنائی بخش زندگی همه کسانی است که او را میشناختند (در هر سطحی).